

ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل اقتصادی و مالی مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها از طریق بکارگیری روش بهترین - بدترین سلسله مراتبی

نوع مقاله: پژوهشی

سجاد کریمی^۱

احمد محمدی^۲

علی اصغر منقی^۳

مهدی عرب صالحی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۳

چکیده

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی- کمی و با هدف ارائه الگویی جهت تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی شرکت‌ها انجام شده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی خبرگان حوزه مالیاتی و اساتید دانشگاهی بوده که به صورت نمونه‌گیری هدفمند غیر تصادفی انتخاب و مصاحبه با آنان تا اشباع نظری (۱۸ نفر) ادامه یافت، افزون بر مصاحبه‌های انجام شده به منظور افزایش اعتبار و جامعیت تحقیق، اسناد و مدارک موجود در خصوص گزارشگری مالیاتی، اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی به دقت مطالعه، بررسی و تحلیل شده است. همچنین جامعه آماری در بخش کمی، از اساتید دانشگاه، مدیران مالی، حساب‌برسان مستقل و مأموران مالیاتی بوده که تعداد ۳۶ نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان به صورت تصادفی، به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختار یافته و در بخش کمی پرسشنامه روش بهترین - بدترین (BWM) بود. روایی پرسشنامه توسط خبرگان و متخصصان مورد تایید قرار گرفت و برای تعیین پایایی پرسشنامه بهترین- بدترین برای هر دسته از ابعاد و متغیرها نرخ سازگاری محاسبه شد. بر اساس نتایج

۱ دانشجوی دکتری حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
Sajjad_karimi1980@yahoo.com

۲ استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)
Ahmad.mohammady@iaut.ac.ir

۳ استادیار حسابداری، گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
Aliasghar.mottaghi@yahoo.com

۴ دانشیار حسابداری، گروه حسابداری، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
M_arabsalehi@yahoo.com

۱۶۴ ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل اقتصادی و مالی ... / سجاد کریمی، احمد محمدی، علی اصغر متقی، مهدی عرب‌صالحی

بدست آمده ۳۲ عامل مؤثر در قالب شش بعد راهبری شرکتی، عوامل حسابرِس، عوامل استراتژی، نسبت‌های مالی، ویژگی‌های عمومی و عوامل اجتماعی بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها شناسایی و بر اساس این عوامل، الگویی جهت تعیین امتیاز شفافیت شرکت‌های ایرانی ارائه گردید. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مربوط به راهبری شرکتی و عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را در میزان شفافیت مالیاتی شرکت‌ها دارد.

کلمات کلیدی: شفافیت مالیاتی، مؤدیان مالیاتی کم ریسک، رتبه بندی مالیاتی، روش بهترین - بدترین.

طبقه‌بندی JEL: H26, G32, C20

مقدمه

مالیات یکی از موضوعات مهم اقتصادی هر جامعه است. قوانین مالیاتی نیز از جمله قوانین مادر در زمینه‌های اقتصادی و یکی از مهم‌ترین ارکان اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت است (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹: ۷۴). از آنجاکه هر دولتی در قبال مردم خود مسئول بوده و وظایفی چون تدارک کالاهای عمومی اعم از آموزش، بهداشت، امنیت، و غیره را عهده دار است و برای پوشش هزینه‌های خود نیازمند منابع درآمدی است و مالیات نیز یکی از مهمترین اقلام درآمدی دولت است، نظام مالیاتی کشور نیز همچون نظام مالیاتی دیگر کشورها برای پوشش بخشی از مخارج خود مجبور است طبق الگوی تعیین شده در قانون برحسب نرخ، شکل و پایه‌ی خاص مالیاتی از مردم مالیات مطالبه نماید. از اینرو مبلغ مالیات جمع آوری شده از هر فرد جامعه، سهم وی از تأمین هزینه کالا و خدمات عمومی تدارک شده توسط دولت است. بنابراین اگر شخصی از پرداخت مالیات ممانعت کند، در واقع بدون پرداخت هزینه کالاهای عمومی، از آنها استفاده کرده است. از اینرو اکثر علماء و فقهاء در صورت مطالبه مالیات، پرداخت آن را از سوی مردم امری واجب دانسته و فرار از مالیات را به هر بهانه‌ای حرام میدانند (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹). در گذشته هدف از وضع و اخذ مالیات تأمین مالی دولت‌ها بود، اما به تدریج با آشکار شدن آثار اقدامات مالی دولت، مالیات به عنوان ابزاری برای رشد، ثبات و کاهش نابرابری تلقی گردید. مالیات یکی از عمده متغیرهایی است که دولت با استفاده از آن هم در متغیرهای کلان اقتصادی مانند رشد اقتصادی، تورم و بیکاری و هم در تخصیص منابع و توزیع درآمد اثر مطلوبی می‌گذارد. افزایش سهم مالیات در تأمین مخارج دولت‌ها باعث کاهش آثار نامطلوب اقتصادی جامعه می‌شود (باباجانی، ۱۳۹۳: ۱۹). در حکومت‌های اسلامی نیز مالیات با توجه به مبنای شرعی آن، بخشی از درآمدهای حکومتی تلقی می‌شد که می‌بایست توسط مردم پرداخت شود و امتناع از پرداخت آن علاوه بر بُعد حق الناسی، وجه شرعی هم می‌گرفت و می‌توان گفت در اسلام، از ابتدا با قبول اصل و مسأله حکومتداری، مسأله مالیات نیز رونمایی گردید. در اقتصاد حکومت اسلامی با دو دسته مالیات روبرو هستیم؛ مالیات‌های اولیه یا ثابت، مالیات‌های ثانویه یا غیرثابت که مالیات‌های حکومتی نیز نامیده می‌شود (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۲). به همین دلیل موضوع مالیات از دیرباز مورد توجه صاحب‌نظران علم اقتصاد اسلامی و مالیه عمومی قرار گرفته و قوانین مالیاتی نیز سیر تکاملی خود را طی نموده است. امروزه نقش نظام‌های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچ کس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله تأمین طبقاتی و توزیع مجدد درآمدها است. هدف اقتصادی از وضع مالیات‌ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش‌های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه‌ای می‌باشد و

هدف بودجه‌ای دولت‌ها از وضع مالیات‌ها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می‌باشد. به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و ساز و کارهای مربوط به آن، از دیرباز مورد توجه صاحب نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل‌ها و حتی عموم مردم قرار داشته است، با این حال، مالیات بر درآمد از منظر شرکت‌ها هزینه بوده و شرکت‌ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش شرکت، تا حد ممکن در هزینه‌های خود صرفه جویی نمایند (کیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۴). در سالهای اخیر سازمان امور مالیاتی کشور با تجهیز سامانه‌ها و سیستم‌های مالیاتی از یکسو و از سوی دیگر با مصوب نمودن قوانین و آئین‌نامه‌های جدید به دنبال بروز رسانی و افزایش کیفیت گزارشهای رسیدگی و برگهای تشخیص مالیاتی صادر شده می‌باشد. یکی از این اقدامات پیاده سازی طرح جامع مالیاتی و مصوب نمودن قانون پایانه‌های فروشگاهی و راه اندازی سامانه مؤدیان مالیاتی می‌باشد. بر اساس این اقدامات انجام شده چشم اندازی روشن و تحولی بزرگ در سیستم مالیاتی کشور شاهد خواهیم بود چرا که در روش جدید مالیات ستانی مبنای کار و تمرکز سازمان امور مالیاتی بر پوشش همه جانبه چتر مالیاتی بر فعالان اقتصادی و وصول مالیات بر اساس خوداظهاری مؤدیان مالیاتی می‌باشد. در طرح جدید سازمان امور مالیاتی عمده رسیدگیها و حسابرسی‌های مالیاتی بر اساس حسابرسی مبتنی بر ریسک صورت می‌گیرد، در همین راستا سازمان امور مالیاتی کشور در اولین سال اجرای قانون اصلاحی مصوب ۱۳۹۴/۰۴/۳۱ در گام اول نسبت به تعیین معیارها و شاخص‌هایی برای شناسایی مؤدیان مالیاتی که درآمد مشمول مالیات آنها بر اساس رسیدگی وفق مقررات به اظهارنامه مالیاتی تشخیص داده می‌شود، اقدام نمود و برای سایر مؤدیان مالیاتی که از منظر حسابرسی مبتنی بر ریسک، در رتبه ریسک پایین قرار داشتند، برگ قطعی مالیاتی بر اساس اظهارنامه ابرازی صادر نمود. بعبارت دیگر سیستم جدید مالیات ستانی در کشور به دنبال تشویق مؤدیان مالیاتی بر شفافیت مالیاتی بیشتر بوده، بطوریکه شرکت‌ها و مؤدیان مالیاتی که از منظر مالیاتی شفاف بوده و دارای رتبه ریسک پایین می‌باشند نیازی به حسابرسی مجدد توسط مأمورین مالیاتی نبوده و مالیات ابراز شده توسط مؤدی مورد قبول سازمان امور مالیاتی و مأمورین مالیاتی می‌باشد. بر این اساس، پژوهش حاضر همراستا با اهداف سیاستهای کلان اقتصادی و مالیاتی کشور به دنبال ارائه مدلی برای شناسایی مؤدیان مالیاتی کم ریسک و شفاف می‌باشد، لذا انجام این پژوهش از یکسو سبب می‌شود عوامل و اجزای تاثیرگذار بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها شناسایی و از سوی دیگر ابزاری کاربردی در اختیار سازمانها و نهادهای ذیربط در جهت شناسایی مؤدیان مالیاتی کم ریسک قرار می‌دهد.

مبانی نظری و ادبیات پژوهش

حسابداری، به عنوان یک سیستم اطلاعاتی، اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان برای تصمیم‌گیری را فراهم می‌نماید. یکی از گروه‌های استفاده‌کننده از گزارشگری مالی، دولت است که در عمل، با مقاصد مالیاتی و در جهت وضع مالیات شرکت‌ها این اطلاعات را بکار می‌گیرد. در همین راستا، ارائه اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه رکن اساسی تصمیم‌گیری‌های مالیاتی محسوب می‌شود (باباجانی، ۱۳۹۳: ۱۷). شفافیت، هسته مرکزی گزارشگری مالی مدرن است که به استفاده‌کنندگان در شناخت واحد تجاری کمک می‌کند. با وجود اهمیت این مفهوم، تعریف جامعی از آن ارائه نشده و روش‌های متعددی برای اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی مورد استفاده قرار گرفته است که به نتایج، توجیهات و پیامدهای متفاوتی منجر شده است. در قوانین و مقررات مالیاتی، منبع استخراج اطلاعات مالی دفاتر قانونی و مطلوبیت آن منوط به رعایت استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی است. مالیات یکی از عوامل تأثیرگذار بر رویه‌های حسابداری است و گزارش‌های مالی تهیه شده مبنای محاسبه درآمد مشمول مالیات می‌باشد. لیکن، با وجود تدوین ساز و کارهای نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکت‌ها، به نظر می‌رسد کیفیت و شفافیت گزارشگری مالی آن‌ها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در شفافیت گزارشگری مالی شرکت‌ها و در نهایت نرخ مؤثر مالیاتی می‌شود (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۴۲). شفافیت به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه جامعه ضروری است. در گزارشگری مالی، ارائه اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه رکن اساسی تصمیم‌گیری‌های مالیاتی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، قوانین سختگیرانه مرتبط با افشاء مطلوب نمی‌باشند و شرکت‌ها به دنبال راهکارهایی برای عدم افشاء و یا افشای کمتر خواهند بود (باباجانی، ۱۳۹۳: ۱۹).

به رغم همه استدلال‌هایی که در ارتباط با شفافیت بیشتر وجود دارد؛ شرکت‌ها تمایلی به شفافیت کامل ندارند؛ دلایل متعددی برای این موضوع عنوان شده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از هزینه‌های مرتبط با جمع‌آوری، پردازش و افشای اطلاعات، وجود منافع مرتبط با عدم افشاء، وجود پدیده اثرات خارجی و عدم تقارن اطلاعاتی. در خصوص تأثیرگذاری عدم تقارن اطلاعاتی بر سطح اجتناب مالیاتی می‌توان از دیدگاه تئوری نمایندگی چنین استدلال کرد که محیط غیرشفاف، به مدیریت اجازه می‌دهد تا با پنهان‌سازی، در راستای مدیریت مالیات گام بردارد. در بیشتر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت با مالیات تأمین می‌شود. سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است و میزان آن بستگی به سطح توسعه و ساختار اقتصادی آنها دارد. در این میان فرار مالیاتی و گریز از مالیات در کشورها باعث شده است درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از برآوردها کمتر باشد. اجتناب و فرار مالیاتی و منافع احتمالی

آن برای سهامداران، این فرصت را برای مدیران فراهم می‌کند تا خود را بابت شفاف نبودن اطلاعات، از این نظر که سبب کاهش خطر کشف تخلف مالیاتی به وسیله مسئولین مالیاتی می‌گردد، تبرئه کنند و اطلاعات مبهم و غیرشفاف ارائه دهند. در هر صورت پیچیدگی و شفاف نبودن که جزء جدایی‌ناپذیری از اجتناب مالیاتی است، می‌تواند آزادی عمل مدیران برای استفاده از ابزارهای تضاد منابع و مدیریت سود را افزایش دهد. کیفیت افشاء می‌تواند بر گستره اجتناب مالیاتی و به تبع آن شفافیت مالیاتی تأثیر بگذارد. شفافیت مالیاتی شرکت‌ها سبب می‌شود که درآمدهای مورد نیاز دولت برای هزینه‌ها تامین گردیده و در نتیجه خدماتی که دولت می‌باید آن را فراهم سازد، در حد مورد نیاز و با کیفیت ارائه شود. با توجه به آثار سوئی که عدم شفافیت مالیاتی بر اقتصاد کشور دارد و نیز مشوق‌های مالیاتی که در قوانین مالیاتی جدید برای شرکت‌های دارای ریسک پایین و شفاف در نظر گرفته شده، توجه و بررسی بیشتر در این زمینه و تعیین معیارهایی که بیانگر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها بوده از اهمیت فراوانی برخوردار شده است.

پیشینه پژوهش

با بررسی پیشینه تحقیق مشخص شد که درخصوص شناسایی عوامل و اجزای موثر بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها و ارائه مدلی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از منظر شفافیت مالیاتی، تحقیق کاملی انجام نشده است، بنابراین در ادامه پژوهش‌های مرتبط با موضوع ارائه می‌شوند.

پژوهش‌های خارجی

گول (۲۰۱۰)، دریافت شرکت‌هایی که دارای وابستگی سیاسی می‌باشند در برخی از مصوبات دولت در راستای منافع خود اعمال نفوذ می‌کنند، لذا وجود مالکان نهادی از طریق نقش نظارتی و توانایی آنها و همچنین انگیزه آنها برای جلوگیری از خروج وجه نقد یا ایجاد بدهی ناشی از مالیات تأثیر منفی بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها دارد. از سویی دیگر می‌توان چنین استدلال کرد که مطابق فرضیه هزینه سیاسی، شرکت‌های دولتی بیشتر مورد توجه بوده و امکان اجتناب مالیاتی برای آنها محدودتر و در نتیجه دارای شفافیت مالیاتی بیشتری می‌باشند (گول، ۲۰۱۰: ۲۶۷).

مینیک و نوگا (۲۰۱۲) در پژوهش خود چنین نتیجه‌گیری کردند، زمانی که مدیر عامل در ترکیب هیأت مدیره باشد تهدید کمتری برای از دست دادن کار آن وجود دارد و این دوگانگی وظایف و نقش مدیر عامل سبب می‌شود که انگیزه کمتری برای بهبود عملکرد داشته و اثر منفی بر عملکرد شرکت می‌گذارد، لذا اقدامی در جهت مدیریت مالیات و افزایش عملکرد از سوی مدیر عامل صورت نمی‌گیرد (مینینگ و نوگا، ۲۰۱۲: ۷۰۵).

تین و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان "بیش اطمینانی و شفافیت مالیاتی: نقش متقابل هیأت مدیره و مدیر عامل" در کشور آمریکا طی سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ به بررسی این موضوع پرداختند که آیا بیش اطمینانی مدیریت بر شفافیت مالیاتی شرکتی تأثیر دارد یا خیر؟ نتایج تحقیق آنها نشان داد زمانیکه هیأت مدیره و مدیر عامل هر دو دارای بیش اطمینانی هستند اجتناب مالیاتی بیشتری (شفافیت کمتر) به کار گرفته می شود (تین و همکاران، ۲۰۱۸: ۱۶۶).

اسمیت و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان ارتباط میان شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی، بر اساس روش تحلیل محتوا، امتیاز و میزان شفافیت مالیاتی موجود در صورتهای مالی سالانه شرکتها را محاسبه نموده و سپس بر اساس روش رگرسیونی به بررسی ارتباط میان شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند. در این پژوهش امتیاز شفافیت محاسبه شده بعنوان متغیر شفافیت مالیاتی و نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر نقدی مالیاتی بعنوان متغیرهای اجتناب مالیاتی مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج حاصل از پژوهش آنها نشان داد که شرکت‌های با امتیاز شفافیت بالا دارای نرخ مؤثر مالیاتی و نرخ مؤثر نقدی بالاتری هستند (اسمیت و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۴۲).

پژوهش‌های داخلی

در ایران تحقیقی که مستقیم بحث شفافیت مالیاتی را مورد بررسی قرار دهد یافت نشد و تمامی پژوهش‌های صورت گرفته متمرکز بر اجتناب مالیاتی می باشد که در ادامه به نمونه ای از آنها اشاره می شود:

باقری و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی اجتناب و فرار از مالیات پرداخته و چنین نتیجه گیری کردند که مالیات اسلامی و حکومتی هرچند که به لحاظ ماهیت و موارد مصرف متفاوت هستند ولی باتوجه به دلایل شرعی لزوم پرداخت مالیات حکومتی در جامعه اسلامی، میتوان به عنوان یک حکم ثانویه به وجوب پرداخت این مالیات و حرمت فرار از آن به لحاظ شرعی قائل شد. آنچه از تطبیق مفهوم مالیات اسلامی و مالیات حکومتی معلوم میشود، نشاندهنده تطبیق احکام جزایی آن بر یکدیگر نیز است، لذا همانگونه که مودی فراری از زکات قابل رصد و خاطی است با همان دلایل شرعی و فقهی، مودی فراری از پرداخت مالیات حکومتی نیز قابل پیگیری و مجازات است. (باقری و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۳).

نتایج پژوهش‌های تجربی صورت گرفته متعددی از جمله اسعدی (۱۳۹۵)، شوروژی و همکاران (۱۳۹۶) و خدادادی و تاکر (۱۳۹۱) نشان می دهد که اصول راهبری خوب شرکتها منجر به عملکرد بهتر شرکت می شود (اسعدی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). یکی از عناصری که مرتبط با عملکرد

شرکت‌ها می‌باشد مدیریت مالیات است. چنانچه مدیریت بتواند نرخ مؤثر مالیات را در بلند مدت کاهش داده و مالیات کمتری پرداخت کند، مالیات را مدیریت نموده است. هرچه این امر بهتر انجام شود، عملکرد بهتری را برای مدیریت شرکت در پی خواهد داشت زیرا منجر به افزایش سود خالص پس از مالیات و همچنین کاهش جریانهای نقدی خروجی از بابت مالیات خواهد شد (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۲).

آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، به نقل از کاستر و همکاران (۲۰۱۶) اظهار می‌دارند مدیران توانمند به سه دلیل بیشتر از سایر مدیران درگیر اجتناب مالیاتی هستند: اول اینکه مدیران بهتر می‌توانند تصمیمات تجاری خود را با استراتژی‌های مالیاتی تطبیق دهند. دوم اینکه در بحث کارایی عملیات بجای کاهش هزینه‌هایی مثل دستمزد، از صرفه‌جویی مالیاتی استفاده می‌کنند و سوم اینکه به این صرفه‌جویی بعنوان یک منبع تأمین مالی برای پیاده‌سازی استراتژیهای خود بهره می‌برند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۸).

دارابی و همکاران (۱۳۹۷)، چنین نتیجه‌گیری نمود که با اینکه در رویکرد قانونی، اجتناب مالیاتی مسأله قابل پذیرشی است، در رویکرد اجتماعی و از نظر آحاد مردم، پرداخت نکردن مالیات به هر شکلی، امر پسندیده‌ای به شمار نمی‌رود و منجر به کاهش حسن شهرت مؤدیان می‌شود بنابراین به نظر می‌رسد شرکت‌های مشهور به جهت داشتن انگیزه مبنی بر از دست ندادن شهرت و جایگاه اجتماعی خود بین عموم مردم و همچنین مسئولیت اجتماعی، سعی در پرهیز از اجتناب مالیاتی دارند. به طور کلی از آنجا که تمکین مالیاتی شرکتی (اجتناب مالیاتی شرکت) یک رفتار اجتماعی مسئولانه (غیر مسئولانه) است می‌توان گفت هر چه شرکت‌ها در فعالیتهای مرتبط با مسئولیت اجتماعی بیشتر مشارکت کنند تمکین مالیاتی آنها بیشتر است (دارابی و همکاران، ۱۳۹۷: ۷۲).

دستگیر و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی، نسبت به شناسایی عوامل اثرگذار بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کردند که عوامل تجاری، عوامل راهبری شرکتی، عوامل مربوط به حسابرس، عوامل مربوط به گزارش‌های مالی، عوامل مربوط به صنعت، ویژگیهای عمومی، عوامل مربوط به بازار سرمایه و عوامل اجتماعی بیشترین تأثیر را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها دارند (دستگیر و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۲۴).

جعفری و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی مسائل فقهی فرار از مالیات حکومتی پرداخته و چنین نتیجه‌گیری کردند که فرار مالیاتی از آنجاییکه سبب ضرر به جامعه، اختلال در نظام و ظلم و ستم به محرومان بوده و همواره به نحو صوری با قصد نامشروع تحقق می‌یابد، علاوه بر حرمت و بطلان

معاملات ناشی از آن، می توان عدم پرداخت این مالیاتها را همانند محکومیت های غیرقابل گذشت در حقوق جزایی دانست و برای آن به لحاظ قانونی، مجازاتهای سنگین و درخور جامعه ای مسئولیت پذیر در نظر گرفت (جعفری و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۶).

هدف پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال ارائه الگوی مفهومی و عملیاتی برای ارزیابی شفافیت مالیاتی شرکتها بوده و بر اساس الگوی بدست آمده امکان رتبه بندی شرکتها از منظر شفافیت مالیاتی فراهم می گردد.

سوالات پژوهش

- ۱- عوامل و اجزای مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکتها کدامند؟
- ۲- میزان اهمیت هر کدام از عوامل و اجزای مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکتها چگونه است؟
- ۳- چه الگوی مفهومی (نظری) و عملیاتی برای شفافیت مالیاتی شرکتها می توان ارائه کرد؟

نوآوری و ابتکار پژوهش

تحقیق کاملاً جدید می باشد قبلاً در خصوص شناسایی عوامل و اجزای مؤثر بر شفافیت مالیاتی شرکتها و ارائه مدلی برای رتبه بندی شرکتها از منظر شفافیت مالیاتی، تحقیقی انجام نشده است، لذا انجام این پژوهش از یکسو سبب می شود عوامل و اجزای دخیل در خصوص شفافیت مالیاتی شرکتها شناسایی شده و مفهومی جدید به ادبیات پژوهشهای حسابداری و مالی اضافه گردد و از سویی دیگر ابزاری کاربردی در اختیار سازمانها و نهادهای زیربسط در جهت شناسایی مؤدیان مالیاتی کم ریسک قرار می دهد.

جامعه و نمونه آماری پژوهش

تحقیق حاضر، در بین نهادها و بخشهای مختلف دانش حسابداری و حسابرسی (اعم از بخشهای اجرایی و بخشهای آموزشی و پژوهشی) انجام شده است. البته لازم به ذکر است که با توجه به اهمیت سطح تجربه آزمودنیها، در تحقیقات کیفی معمولاً تأکید مصاحبهها بر تجارب مصاحبه-شوندگان نیز می باشد. با توجه به اینکه تحقیق حاضر به دنبال ارائه الگویی برای تعیین میزان و امتیاز شفافیت مالیاتی شرکتها بوده، لذا افراد موردنظر برای انجام مصاحبهها، هم از بین نخبگان

و افراد اجرایی شاخص، و هم از اساتید برجسته دانشگاهی، پژوهش‌گران و صاحب‌نظران حسابداری، حسابرسی و مالیاتی انتخاب شده‌اند. البته سعی شده است تا در انتخاب مصاحبه‌شوندگان بر اساس اصل تشخیص و تکنیک‌های نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی اقدام شود تا تهدیدی از این نظر متوجه روش‌شناسی و حتی نتایج حاصل از تحقیق نگردد. با عنایت به ترکیبی بودن پژوهش حاضر (کیفی-کمی)، در مرحله کیفی جامعه آماری خبرگان دانشگاهی و مالیاتی بودند که به صورت نمونه‌گیری هدفمند غیرتصادفی انتخاب گردیدند. بعد از انجام هماهنگی‌های لازم جهت انجام مصاحبه و تعیین وقت مصاحبه، تمام مصاحبه‌ها توسط پژوهشگر انجام شد و سپس مصاحبه‌ها بر روی کاغذ پیاده شده و کار کدگذاری آنها صورت گرفت. مصاحبه با خبرگان پژوهش تا اشیاع نظری (۱۸ نفر) ادامه یافت، در مرحله بعد برای افزایش اعتبار و جامعیت متغیرهای بدست آمده از مرحله مصاحبه، از رویکرد تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک استفاده شده است. در این مرحله مدارک مربوط به ۸۰ پرونده مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (طی ۳ دوره مالی) با همکاری کارشناسان خبره مربوطه و ۵۰ مقاله و پژوهش با موضوعات مالیاتی بر اساس مفاهیم و متغیرهای شناسایی شده در مرحله قبل مورد بررسی قرار گرفته است. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول شماره ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان (خبرگان) تحقیق

نوع تخصص	تجارب حرفه‌ای و تخصصی	جنسیت	میانگین سن	میانگین تجربه	تعداد مصاحبه
دانشگاهی (آموزشی)	دانش آموخته دکتری و عضو هیات علمی	مرد	۵۲	۱۸	۲
		زن	۴۶	۱۴	۲
اجرایی	مأموران مالیاتی (در سطح ممیز کل و رئیس گروه مالیاتی)	مرد	۴۸	۲۱	۱۰
		زن	-	-	-
دانشگاهی و اجرایی	عضو هیات علمی دانشگاه و حسابدار رسمی یا مدیران ارشد مالی و حسابداری	مرد	۵۱	۲۳	۴
		زن	-	-	-

منابع: یافته‌های پژوهش

جامعه آماری در بخش کمی، از اساتید دانشگاه، مدیران مالی، حساب‌برسان مستقل و مأموران مالیاتی بوده که تعداد ۳۶ نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان به صورت تصادفی، به عنوان نمونه انتخاب شدند.

روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، ارائه الگویی مفهومی و عملیاتی برای ارزیابی شفافیت مالیاتی شرکت‌های ایرانی و رتبه بندی آنها می باشد، بنابراین پژوهش حاضر از نظر هدف توسعه ای و کاربردی است؛ چرا که اقدام به طراحی مدل برای شفافیت مالیاتی پرداخته و از سوی دیگر با استفاده از مدل طراحی شده نسبت به رتبه بندی شرکتها از بعد شفافیت مالیاتی اقدام می نماید. از لحاظ روش شناسی، از نوع تحقیقات همبستگی علی پس از وقوع است. همچنین به لحاظ ارتباط با محیط پیرامونی، از جمله پژوهشهای شبه تجربی شمرده میشود. پژوهش حاضر از روش پژوهش ترکیبی اکتشافی متوالی به عنوان راهبرد پژوهش استفاده می کند به این معنی که مرحله نخست آن از رویکردی کیفی و مرحله دوم آن از رویکردی کمی تبعیت می کند. در این روش پژوهش، پژوهشگر عناصر و رویکردهای کمی و کیفی را به منظور آشکار ساختن عوامل دخیل در امر پژوهش و درک عمیق پدیده ها با یکدیگر ترکیب می کند (جانسون، ۲۰۰۴: ۱۸). در گام نخست این پژوهش، پس از بررسی مبانی نظری و تحقیقات مرتبط، در مرحله کیفی پژوهشگر با استفاده از یافته های خود سوالات مصاحبه را در راستای هدف پژوهش تهیه و اقدام به مصاحبه نیمه ساختاریافته نمود. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بخش کیفی پژوهش حاضر، از روش کدگذاری باز استفاده شد. در این مرحله عوامل مؤثر بر شفافیت مالیاتی در قالب ۶ بعد کلی و ۳۲ متغیر به شرح جدول شماره ۲ شناسایی شدند.

در گام دوم، به منظور وزن دهی به ابعاد و متغیرها، از روش بهترین-بدترین^۱ به عنوان یکی از تکنیک های نوین تصمیم گیری چند شاخصه استفاده شد. روش بهترین-بدترین یکی از روشهای نوین تصمیم گیری چند شاخصه است که توسط رضایی در سال ۲۰۱۵ ارائه شده است. این روش جهت وزن دهی به شاخصها و متغیرها مورد استفاده قرار می گیرد. مقایسه زوجی بین هر یک از دو شاخص و شاخص های دیگر صورت می گیرد، سپس یک مسأله حداقل - حداکثر برای مشخص کردن وزن شاخص های مختلف فرموله و حل می شود (رضایی، ۲۰۱۵: ۵۲). به منظور طراحی پرسشنامه بهترین-بدترین ابتدا با اهمیت ترین و کم اهمیت ترین بعد و متغیر در هر دسته توسط خبرگان گام اول، در فرم نظر خواهی که توسط پژوهشگران تهیه شده بود، تعیین گردید. سپس پرسشنامه بهترین-بدترین بر اساس نظرات بیان شده در فرم نظر خواهی، طراحی و میان ۳۶ نفر از مدیران مالی شرکت های بورسی، ممیزین مالیاتی، حسابرسان مستقل و اساتید دانشگاهی توزیع شد. به منظور تحلیل داده های حاصل در این بخش و حل مدل از نرم افزار لینگو ۲۱۷ که از نرم

^۱ Best-Worst Method(BWM)

^۲ Lingo 17

افزارهای قدرتمند برای حل مدل‌های بهینه‌سازی است، استفاده شد. روایی محتوایی پرسشنامه توسط خبرگان و متخصصان مورد تایید قرار گرفت. در این روش، پایایی پرسشنامه بصورت نرخ سازگاری تعیین می‌شود، لذا نرخ سازگاری برای هر دسته از ابعاد و متغیرها محاسبه شد. گام سوم: در این مرحله بر اساس امتیازات حاصل از درصد اهمیت ابعاد کلی و تأثیر وزنی متغیرها بر ابعاد کلی، امتیاز هر یک از متغیرها در میزان اثرگذاری بر شفافیت مالیاتی تعیین گردید.

جدول شماره ۲. ابعاد و اجزای متغیرهای پژوهش

نسبت گردش موجودی کالا (TURN)	ابعاد
نسبت رشد فروش (SALE)	راهبری شرکتی
نسبت سود خالص به سرمایه (PROCAP)	وجود متخصص مالی در هیأت مدیره (FSB)
نسبت سود عملیاتی به دارایی ثابت (OPP)	سطح تصمیمات هیأت مدیره (LE)
ویژگیهای عمومی	ترکیب هیأت مدیره (COM)
اندازه شرکت (SIZE)	وجود سهامدار خارجی (FSH)
نوع صنعت (IND)	مالکیت نهادی (OWN)
عمر شرکت (LIFE)	دوگانگی نقش مدیرعامل (DUAL)
عوامل اجتماعی	خانوادگی نبودن شرکت (FAML)
حسن شهرت مالیاتی (TAXREP)	نوع مالکیت (دولتی یا غیره) (TYPE)
مسئولیت پذیری اجتماعی (SOCIAL)	عوامل حسابرِس
کیفیت افشا (DIS)	تخصص حسابرِس در صنعت (SPC)
	نوع اظهار نظر حسابرِس (COM)
	اندازه حسابرِس (AUDS)
	دوره تصدی حسابرِس (TENU)
	عدم وجود بند مالیاتی در گزارش حسابرِس (TAXC)
	عوامل مربوط به استراتژی
	سرمایه گذاری در موجودی کالا (INVT)

معاملات با اشخاص وابسته (TRAN)
درصد فروش شرکت به مشتریان عمده (CUSTM)
عوامل نسبت‌های مالی
نسبت هزینه مالی (FIN)
مدیریت سود (EARN)
نسبت سود ناویژه (PRAT)
نسبت تعدیلات سنواتی (ADJ)
نسبت سود ویژه (PROF)
نسبت هزینه های فروش و اداری به فروش (ADC)

منابع : یافته‌های پژوهش

متغیرهای پژوهش جهت محاسبه مدل

نحوه اندازه گیری متغیرهای اثرگذار بر شفافیت مالیاتی

- ❖ **تخصص مالی اعضای هیأت مدیره:** عدد یک در صورت وجود تحصیل کرده رشته های حسابداری، مالی، مدیریت یا اقتصاد در ترکیب هیأت مدیره و صفر در غیر اینصورت.
- ❖ **سطح تحصیلات هیأت مدیره:** داشتن مدرک فوق لیسانس و بالاتر عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
- ❖ **ترکیب هیأت مدیره:** درصد افراد غیر مؤلف در هیأت مدیره.
- ❖ **داشتن سهامدار خارجی:** در صورت وجود سهامدار خارجی عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می شود.
- ❖ **مالکیت نهادی:** درصد مالکیت سهامداران نهادی.
- ❖ **دوگانگی نقش مدیرعامل:** عدد صفر در صورت داشتن یک کرسی در هیأت مدیره توسط مدیرعامل و یک در غیر اینصورت.
- ❖ **خانوادگی نبودن:** عدد صفر در صورت خانوادگی بودن و یک در غیر اینصورت.
- ❖ **مالکیت دولتی:** شرکت‌های دولتی متغیر مجازی یک و برای غیردولتی عدد صفر.

- ❖ **تخصص حسابرس در صنعت:** در این پژوهش از مدل پالم رز (۱۹۸۶) برای اندازه‌گیری متغیر تخصص حسابرس در صنعت استفاده شده است. بر اساس این مدل حسابرسی متخصص تلقی می‌شود که سهم بازارش از حاصل ضرب معکوس تعداد شرکت‌های فعال در صنعت در عدد نیم بیشتر باشد. در این پژوهش برای شرکت‌های دارای حسابرس متخصص عدد یک و برای بقیه صفر لحاظ شده است.
- ❖ **نوع اظهار نظر حسابرس:** برای گزارش مقبول حسابرس یک و برای غیرمقبول عدد صفر لحاظ می‌شود.
- ❖ **اندازه حسابرس:** یک برای صاحبکاران سازمان حسابرسی یا مؤسسه مفید راهبر و صفر برای سایرین.
- ❖ **دوره تصدی حسابرس:** عدد صفر برای تعویض حسابرس در سال اول یا چهارم و یک برای غیره.
- ❖ **عدم وجود بند مالیاتی در گزارش حسابرس:** در صورت وجود بند مالیاتی عدد صفر در غیر اینصورت عدد یک.
- ❖ **سرمایه گذاری در موجودی کالا:** برای بیشتر بودن موجودی پایان دوره از اول دوره صفر و در غیر اینصورت یک در نظر گرفته می‌شود.
- ❖ **معاملات با اشخاص وابسته:** در صورت عدم وجود معامله با اشخاص وابسته عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
- ❖ **درصد فروش به مشتریان عمده:** در صورتی که نسبت مذکور کمتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می‌شود.
- ❖ **نسبت هزینه مالی:** از تقسیم هزینه مالی بر سود خالص دوره بدست می‌آید، در صورتی که نسبت مذکور کمتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می‌شود.
- ❖ **کیفیت افشاء:** معکوس رتبه کیفیت افشاء شرکت‌ها از نظر سازمان بورس و اوراق بهادار تهران.
- ❖ **مدیریت سود:** در پژوهش حاضر از مدل جونز (۱۹۹۰) جهت محاسبه مدیریت سود استفاده می‌گردد. بدین منظور در صورتی که نسبت مذکور کمتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می‌شود.
- ❖ **نسبت سود ناویژه:** سود ناویژه تقسیم بر فروش.

- ❖ **تعدیلات سنواتی:** در صورت وجود اقلام بستانکار افزایشده در آمد مشمول مالیات عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر.
 - ❖ **نسبت سود ویژه:** سود ویژه تقسیم بر فروش.
 - ❖ **نسبت هزینه های فروش و اداری به فروش:** درصد هزینه های فروش و اداری به فروش، در صورتی که نسبت مذکور کمتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می شود.
- نسبت گردش موجودی کالا:** در صورتی که نسبت مذکور بالاتر از میانگین صنعت باشد عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می شود.
- ❖ **نسبت رشد فروش:** درصد افزایش فروش شرکت نسبت به سال قبل.
 - ❖ **نسبت سود خالص به حقوق صاحبان سهام:** سود خالص تقسیم بر حقوق صاحبان سهام.
 - ❖ **نسبت سود عملیاتی به دارایی ثابت:** سود عملیاتی تقسیم بر داراییهای ثابت.
 - ❖ **اندازه شرکت:** لگاریتم طبیعی متوسط داراییها و فروش.
 - ❖ **نوع صنعت:** برای اندازه گیری این متغیر از انحراف معیار پنج ساله اختلاف دائمی مالیات شرکتها نسبت به میانگین صنعت استفاده می شود و در صورتی که این انحراف معیار بالای میانگین صنعت باشد عدد صفر و در غیر اینصورت عدد یک منظور می گردد.
 - ❖ **عمر شرکت:** لگاریتم طبیعی عمر فعالیت شرکت از تاریخ پروانه بهره برداری.
 - ❖ **داشتن حسن شهرت مالیاتی:** در این پژوهش، شرکتهایی که انحراف معیار پنج ساله اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی شان از میانگین کل نمونه کمتر و نسبت مالیات پرداختی به درآمدشان از میانگین کل نمونه بیشتر باشد شرکتهای دارای حسن شهرت مالیاتی در نظر گرفته شده اند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲). برای شرکتهای دارای حسن شهرت مالیاتی عدد یک و در غیر اینصورت عدد صفر لحاظ می شود.
 - ❖ **مسئولیت پذیری اجتماعی:** برای محاسبه مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت ها، از مدل تحلیل پوششی داده ها با بازده نسبت به مقیاس متغیر ورودی محور استفاده می شود. بدین منظور، مسئولیت قانونی (با شاخص امتیاز افشا، بیمه پرداختی سهم کارفرما و مالیات بر عملکرد پرداختی)، مسئولیت اخلاقی (با شاخص اقلام تعهدی اختیاری) و مسئولیت داوطلبانه (با شاخص تعداد کارکنان و درصد سهام شناور آزاد) به عنوان ورودی

ها و مسئولیت اقتصادی با شاخص ارزش شرکت (نسبت کیو- توبینز) ، نرخ رشد فروش و نرخ بازده سالانه سهام به عنوان خروجی مدل تحلیل پوششی داده ها است*مهرانی . سیدی، ۱۳۹۲: ۲۲).

یافته های پژوهش

همانطور که اشاره شد این پژوهش به منظور طراحی و ارائه الگوی مفهومی و عملیاتی جهت تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی شرکت‌ها انجام گرفته است. پس از مصاحبه با خبرگان و تعیین ابعاد و متغیرهای اثرگذار بر شفافیت مالیاتی شرکت‌ها که در نتیجه آن ۳۲ متغیر در قالب شش بعد کلی شناسایی شد، اقدام به تعیین وزن و اهمیت ابعاد و متغیرها گردید. جهت وزن دهی به عوامل روش های تصمیم گیری چند شاخصه انتخاب شد. با توجه به این که مدل پژوهش حاضر حالت سلسله مراتبی دارد، باید از روش تحلیل سلسله مراتبی AHP و یا روش بهترین - بدترین استفاده می شد. از طرفی چون در هر بعد تعداد متغیرها زیاد بود، بنابراین از روش بهترین - بدترین استفاده شد چون نسبت به روش AHP به مقایسات زوجی کمتری نیاز دارد. در روش AHP تعداد مقایسات بسیار زیاد است و این مسئله موجب می شود، دقت نتایج پایین بیاید و حتی ممکن است نتایج مورد قبول نیز حاصل نشود (رضایی، ۲۰۱۵).

تعیین بهترین (با اهمیت ترین) و بدترین (کم اهمیت ترین) عوامل

اولین گام در روش بهترین- بدترین همانطور که از نام این روش مشخص است تعیین بهترین (با اهمیت ترین) و بدترین (کم اهمیت ترین) عامل در هر دو سطح مدل مفهومی پژوهش (بعد و متغیرها) می باشد که در ادامه آورده شده است. بدین منظور فرم نظرخواهی بر اساس عوامل تهیه و از خبرگان خواسته شد بهترین و بدترین عامل را در هر دسته مشخص نمایند. سپس با جمع بندی نظرات و در نظر گرفتن فراوانی، با اهمیت ترین و کم اهمیت ترین عامل در هر دسته در سطوح بعد و متغیر مشخص شد. عوامل مشخص شده در جدول (۳) آمده است.

جدول شماره ۳. بهترین (با اهمیت ترین) و بدترین (کم اهمیت ترین) عوامل

ردیف	دسته اصلی	بهترین (با اهمیت ترین)	بدترین (کم اهمیت ترین)
۱	بعد	راهبری شرکتی	استراتژی شرکت
۲	راهبری شرکتی	نوع مالکیت	تحصیلات هیأت مدیره

دوره تصدی حسابرس	عدم وجود بند مالیاتی	حسابرس	۳
درصد فروش به مشتریان عمده	معاملات با اشخاص وابسته	استراتژی	۴
نسبت هزینه های فروش و اداری	مدیریت سود	نسبتهای مالی	۵
عمر شرکت	نوع صنعت	ویژگیهای عمومی	۶
مسئولیت پذیری اجتماعی	حسن شهرت مالیاتی	اجتماعی	۷

منبع: یافته های پژوهش

تعیین میزان اهمیت عوامل

در این گام به منظور تعیین وزن ابعاد و متغیرها، بر اساس عوامل مشخص شده در گام قبلی، پرسشنامه مقایسات زوجی بهترین معیار با دیگر معیارها (BO^۱) و مقایسه زوجی دیگر معیارها با بدترین معیار (OW^۲) برای ابعاد و متغیرهای هر دسته به طور جداگانه تهیه و در اختیار ۳۶ نفر از مدیران مالی شرکت های بورسی، ممیزین مالیاتی، حسابرسان مستقل و اساتید دانشگاهی قرار گرفت و از آن ها خواسته شد تا به مقایسات زوجی پاسخ دهند، در این مرحله تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل شد. پس از دریافت نظر پاسخگویان مقایسات زوجی با استفاده از روش میانگین هندسی ادغام شدند. سپس با استفاده از مقایسات زوجی، مدل روش بهترین - بدترین برای هر دسته ابعاد و متغیرها تشکیل شد. با اجرای مدل در نرم افزار لینگو نتایج شامل وزن عوامل (W) و نرخ سازگاری^۳ (Z) محاسبه شد. مقایسه زوجی ابعاد به عنوان نمونه در جدول شماره (۴) آمده است.

جدول شماره ۴. مقایسات زوجی ابعاد

با اهمیت ترین: راهبری شرکتی		کم اهمیت ترین: استراتژی شرکت	
راهبری شرکتی	۱,۰۰۰	استراتژی شرکت	۱
عوامل اجتماعی	۲,۰۷۹	نسبتهای مالی	۳,۴۹۰
ویژگیهای حسابرس	۳,۵۰۷	ویژگیهای عمومی	۴,۱۲۵

^۱ Best-Other

^۲ Other-Worst

^۳ Consistency Ratio

۱۸۰ ارزیابی و رتبه‌بندی عوامل اقتصادی و مالی ... / سجاد کریمی، احمد محمدی، علی اصغر متقی، مهدی عرب‌صالحی

ویژگیهای عمومی	۵,۱۷۵	ویژگیهای حساسیت	۵,۰۰۰
نسبتهای مالی	۵,۹۲۴	عوامل اجتماعی	۶,۲۱۰
استراتژی شرکت	۷,۶۱۶	راهبری شرکتی	۷,۸۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

سپس با استفاده از رابطه زیر، مدل خطی بهترین - بدترین برای ابعاد تشکیل شد. در این مدل، Z بیانگر معیارها، w وزن معیارها و Z نرخ سازگاری مقایسه‌های زوجی است، نرخ سازگاری عددی بن ۰ تا ۱ می‌باشد و هر چقدر این عدد به صفر نزدیک تر باشد یعنی مقایسه زوجی از سازگاری بالاتری برخوردار است.

مدل (۱): مدل خطی بهترین - بدترین ابعاد

$$\min = z$$

s.t. برای تمامی

$$|w_b - a_{Bj} \cdot w_j| \leq z \quad \text{زها}$$

$$|w_j - a_{jw} \cdot w_w| \leq z$$

$$\sum_{j=1}^n w_j = 1 \quad \text{برای تمامی زها}$$

$$w_j \geq 0$$

سپس برای حل این مدل از نرم‌الینگو ۱۷ استفاده شد، خروجی این نرم افزار برای ابعاد بر اساس وزن آنها (w) و نرخ سازگاری (Z) در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول شماره ۵. خروجی نرم افزار لینگو برای ابعاد

Variable	Value	Reduced Cost
z	0.32217391	0.000000
w1	0.31876975	0.000000
w2	0.18123752	0.000000
w3	0.05019941	0.000000
w4	0.10236732	0.000000
w5	0.12905430	0.000000
W6	0.21837129	0.000000

منبع: یافته های پژوهش
 اوزان بدست آمده و اولویت ابعاد و متغیرها در جدول شماره (۶) آمده است. در مرحله بعد وزن هر یک از متغیرها ضربدر وزن هر بعد مربوطه شده و ضریب اثرگذاری هر متغیر بر شفافیت مالیاتی شرکتها محاسبه می گردد.

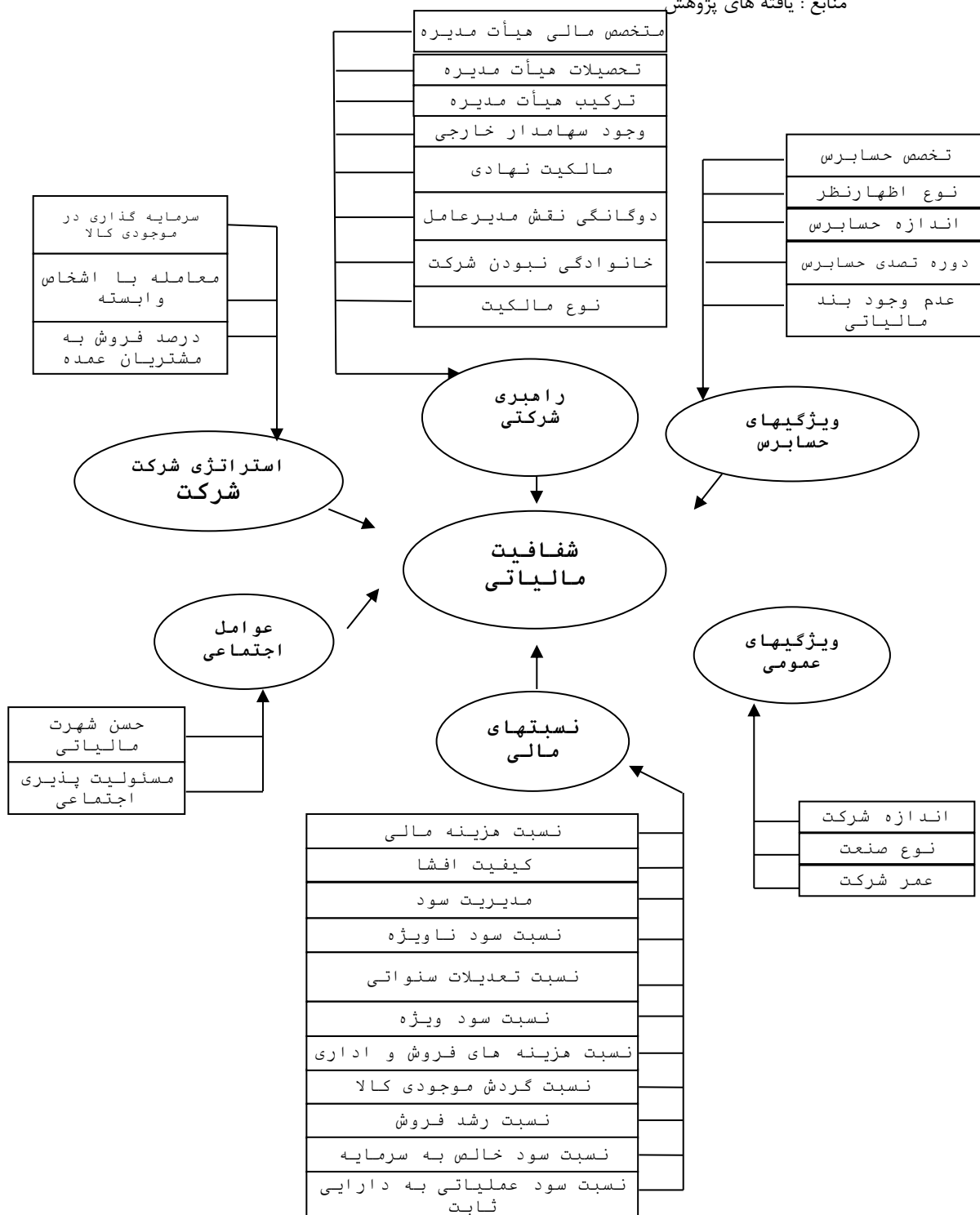
جدول شماره ۶. الویت بندی ابعاد و متغیرها

ردیف	بعد	متغیر	وزن متغیر	ضریب اثر گذاری متغیر
۱	راهبری (وزن: ۰,۳۱۸، رتبه: ۱)	وجود متخصص مالی در هیأت مدیره	۰,۰۹۸	۰,۰۳۱
۲		سطح تحصیلات هیأت مدیره	۰,۰۴۹	۰,۰۱۶
۳		ترکیب هیأت مدیره	۰,۰۴۷	۰,۰۱۵
۴		وجود سهامدار خارجی	۰,۱۰۳	۰,۰۳۳
۵		مالکیت نهادی	۰,۱۹۶	۰,۰۶۲
۶		دوگانگی نقش مدیر عامل	۰,۰۴۳	۰,۰۱۴
۷		خانوادگی نبودن شرکت	۰,۲۰۸	۰,۰۶۶
۸		نوع مالکیت (دولتی یا غیره)	۰,۲۵۶	۰,۰۸۱
۹	حسابرس (وزن: ۰,۱۸۱، رتبه: ۳)	تخصص حسابرس در صنعت	۰,۱۲۱	۰,۰۲۲
۱۰		نوع اظهار نظر حسابرس	۰,۲۲۳	۰,۰۴۰
۱۱		اندازه حسابرس	۰,۰۹۸	۰,۰۱۸
۱۲		دوره تصدی حسابرس	۰,۰۹۴	۰,۰۱۷
۱۳		عدم وجود بند مالیاتی	۰,۴۶۴	۰,۰۸۴
۱۴		استراتژی (وزن: ۰,۰۵۰، رتبه: ۶)	سرمایه گذاری در موجودی کالا	۰,۴۴۲

ردیف	بعد	متغیر	وزن متغیر	ضریب اثر گذارای متغیر
۱۵	نسبتهای مالی (وزن: ۰,۱۰۲؛ رتبه: ۵)	معاملات با اشخاص وابسته	۰,۳۶۰	۰,۰۱۸
۱۶		درصد فروش به مشتریان عمده	۰,۱۹۸	۰,۰۱۰
۱۷		نسبت هزینه مالی	۰,۰۴۷	۰,۰۰۵
۱۸		مدیریت سود	۰,۱۵۲	۰,۰۱۶
۱۹		نسبت سود ناویژه	۰,۱۶۷	۰,۰۱۷
۲۰		نسبت تعدیلات سنواتی	۰,۱۴۹	۰,۰۱۵
۲۱		نسبت سود ویژه	۰,۱۲۱	۰,۰۱۲
۲۲		نسبت هزینه های اداری و فروش	۰,۰۴۷	۰,۰۰۵
۲۳		نسبت گردش موجودی کالا	۰,۰۵۸	۰,۰۰۶
۲۴		نسبت رشد فروش	۰,۱۱۹	۰,۰۱۲
۲۵		نسبت سود خالص به سرمایه	۰,۰۹۸	۰,۰۱۰
۲۶		نسبت سود عملیاتی به دارایی ثابت	۰,۰۴۲	۰,۰۰۴
۲۷	عمومی (وزن: ۰,۱۲۹؛ رتبه: ۴)	اندازه شرکت	۰,۳۰۲	۰,۰۳۹
۲۸		نوع صنعت	۰,۴۹۷	۰,۰۶۴
۲۹		عمر شرکت	۰,۲۰۱	۰,۰۲۶
۳۰	اجتماعی (وزن: ۰,۳۱۸؛ رتبه: ۲)	حسن شهرت مالیاتی	۰,۶۰۱	۰,۱۳۱
۳۱		مسئولیت پذیری اجتماعی	۰,۱۹۸	۰,۰۴۳

ردیف	بعد	متغیر	وزن متغیر	ضریب اثر گذاری متغیر
۳۲		کیفیت افشا	۰,۲۰۱	۰,۰۴۴

منابع: یافته های پژوهش



شکل شماره ۱. مدل مفهومی پژوهش

بر اساس نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش مدل زیر به منظور تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی شرکت‌ها ارائه می‌گردد:

$$\begin{aligned} \text{TTS SCORE} = & 0.031\text{FSB} + 0.016\text{LE} + 0.015\text{COM} + 0.033\text{FSH} + \\ & 0.062\text{OWN} + 0.014\text{DUAL} \\ & + 0.066\text{FAML} + 0.081\text{TYPE} + 0.022\text{SPC} + 0.04\text{COM} + 0.018\text{AUDS} + 0.017\text{TEN} \\ & \text{U} + 0.084\text{TAXC} + 0.022\text{INVT} + 0.018\text{TRAN} + 0.01\text{CUSTM} + 0.005\text{FIN} + 0.016\text{E} \\ & \text{ARN} + 0.017\text{PRAT} + 0.015\text{ADJ} + 0.012\text{PROF} + 0.005\text{ADC} + 0.006\text{TURN} + 0.012 \\ & \text{SALE} + 0.01\text{PROCAP} + 0.004\text{OPP} + 0.039\text{SIZE} + 0.064\text{IND} + 0.026\text{LIFE} + 0.131 \\ & \text{TAXREP} + 0.043\text{SOCIAL} + 0.44\text{DIS} \end{aligned}$$

روش استفاده از این شاخص برای تعیین امتیاز شفافیت مالیاتی به این ترتیب خواهد بود که ابتدا مقادیر واقعی را به صورت سالانه در معادله شاخص وارد کرده و امتیاز هر شرکت به دست می‌آید، سپس با مرتب کردن مقادیر از بزرگترین به کوچکترین، شرکت‌ها از منظر شفافیت مالیاتی رتبه‌بندی می‌شوند. در شکل شماره ۱ مدل مفهومی تحقیق ارائه شده است.

اعتبارسنجی الگوی پیشنهادی

در پژوهش حاضر بر اساس دیدگاه‌های کوربین و اشتراوس^۱ (۲۰۰۸) و مریام^۲ (۱۹۸۸) اعتبارسنجی مدل صورت پذیرفته است. شاخص تناسب (همخوانی با سایر تجربیات): شاخص تناسب به این معنی است که آیا یافته‌های پژوهش با تجارب متخصصان حوزه‌ی حسابرسی مالیاتی و همچنین مشارکت‌کنندگان پژوهش سازگاری و همخوانی دارد؟ به منظور دستیابی به شاخص تناسب، یافته‌های پژوهش توسط سه نفر از خبرگانی که تخصص در اجرا و نیز حسابرسی مالیاتی و مالی داشتند مورد ارزیابی، اصلاح و تأیید قرار گرفته است؛ شاخص کاربردی بودن: الگوی این پژوهش از لحاظ عملی و اجرایی و از لحاظ علمی و دانشگاهی قابل کاربرد است. در عرصه اجرایی، الگوی استخراج شده پژوهش حاضر از قابلیت کاربرد در تعیین مؤدیان کم‌ریسک از منظر مالیاتی که یکی از اهداف طرح جامع مالیاتی نیز می‌باشد، برخوردار است. شاخص مفاهیم (بیان مناسب مفاهیم پژوهش): در این راستا، مفاهیم تحت مقوله‌هایی همراه با مشخصه‌ها و ابعاد خاص خود تولید شده‌اند و برای ایجاد درک مشترک تعریف هر یک از مفاهیم اشاره شده است. شاخص زمینه‌یابی مفاهیم (مفاهیم در چه فضایی معنا یافته‌اند؟): یافته‌ها و مفاهیم حاصل از پژوهش کنونی نیز در بستر حرفه حسابداری و حسابرسی بیان شده‌اند. در مراحل مختلف پژوهش کنونی از گردآوری اطلاعات تا تجزیه و تحلیل و ارائه‌ی گزارش بستر حسابداری و حسابرسی مورد توجه قرار گرفته است. شاخص

^۱ Corbin & Strauss

^۲ Merriam

منطقی بودن روایت پژوهش: در پژوهش کنونی برای حفظ منطقی بودن روایت پژوهش تلاش شده است که یافته های پژوهش معنادار بوده و به واقعیت ها ارتباط داشته باشند. همچنین جهت اطمینان به استفاده کنندگان الگوی تحقیق، روش شناسی و شیوه ی گردآوری و تحلیل داده ها به اندازه مناسب توضیح و بیان شده است. شاخص عمق (بیان تفصیلی روایت پژوهش): در راستای تعمیق پژوهش کنونی، الگوی پژوهش همراه با جزئیات و با ذکر کدها، مفاهیم، و مقوله ها ذکر شده است. شاخص بداعت (ارائه مفاهیم جدید): در پژوهش حاضر نوآوری و بیان مفاهیم و ابعاد بدیع مورد توجه پژوهشگر قرار گرفته است، به جرأت می توان گفت که پژوهش حاضر در زمینه مدل شفافیت مالیاتی در ایران و حتی در سطح بین المللی کم نظیر می باشد. شاخص حساسیت (درگیری ذهن پژوهشگر در پژوهش): از آنجایی که پژوهشگران تحقیق حاضر شاغل در امورات اجرایی و علمی حسابداری، حسابرسی و مالیاتی میباشند و تجربه گذراندن دوره های آموزشی حسابداری تا بالاترین سطوح و عضویت در جامعه حسابداران رسمی و سایر وظایف اجرایی و مدیریتی حسابداری، حسابرسی و مالیاتی را داشته اند و دغدغه سیستم مالیات ستانی و ارائه معیارهای شفاف و منصفانه جهت وصول مالیات عادلانه را دارند، موضوع و فرایند پژوهش کنونی برای ایشان بسیار مهم، جذاب و حیاتی بوده است. شاخص استفاده از یادداشت ها (شکار ایده های خلق چارچوب مفهومی): در پژوهش کنونی یادداشت ها و یادآوریهای متعددی در حین پژوهش به ثبت رسید که در طی فرایند تجزیه و تحلیل و تدوین الگوی تحقیق بسیار مورد استفاده قرار گرفتند.

نتیجه گیری

دستیابی به شفافیت اقتصادی، ضامن سلامت اقتصادی و اجتماعی جامعه و لازمه اجرای عدالت است. ایجاد شفافیت اقتصادی مستلزم مقابله با فساد است و چنانچه شفافیت در فعالیتهای اقتصادی محقق شود، کاهش خطرپذیری سرمایه گذاری در کشورها را به دنبال داشته و به طور کلی، اقتصاد را در شرایط مطلوب به پیش می برد. به همین جهت ایجاد شفافیت در فعالیتهای اقتصادی هم برای دولت ها و هم مردم از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با افزایش شفافیت مالیاتی، امکان رصد فعالیت های اقتصادی و و شناسایی فرارهای مالیاتی در کشور میسر خواهد شد. رضایت حداکثری مودیان جزو دغدغه های اصلی سازمان امور مالیاتی کشور است و اجرای کامل طرح جامع مالیاتی، مهمترین گام برای افزایش رضایتمندی مودیان محسوب می شود. همانطور که قبلا نیز توضیح داده شد یکی از اهداف اصلی طرح جامع مالیاتی شناسایی مودیان کم ریسک و قطعی سازی اظهارنامه های ابرازی آنها بدون رسیدگی می باشد که این امر سبب تسریع در وصول مالیات

و تسریع روند رسیدگی به پرونده های مالیاتی سایر مؤدیان می گردد، لذا معیار تعیین مؤدیان دارای ریسک پایین از اولویتها و گام های بسیار مهم و اساسی طرح جامع مالیاتی می باشد. در این پژوهش با استفاده از مدل رتبه بندی که ارائه گردید، حسابرسان مالیاتی می توانند بر اساس اطلاعات عام و خاص شرکت‌ها، میزان و امتیاز شفافیت مالیاتی شرکت‌ها و به تبع آن حدود ریسک مالیاتی آنها را محاسبه نموده و در مقایسه با سایر شرکت‌ها حدس بزنند که شفافیت مالیاتی مؤدی نسبت به سایر مؤدیان بالاتر است یا خیر.

نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که ابعاد راهبری شرکت، عوامل اجتماعی و حسابرس به ترتیب با $31/8\%$ ، $21/8\%$ و $18/1\%$ بیشترین تأثیر را بر امتیاز شفافیت مالیاتی شرکت‌ها دارند. در میان عوامل راهبری شرکتی نیز متغیرهای نوع مالکیت (دولتی و غیره)، خانوادگی نبودن شرکت و درصد سهامداران نهادی به ترتیب با ضرایب $0/081$ ، $0/066$ و $0/062$ ، دارای بیشترین ضریب اثرگذاری می باشند. با توجه به ضرایب بالا می توان گفت که شرکت‌های که دارای مالکیت دولتی هستند و نیز شرکت‌هایی که خانوادگی نبوده و درصد سهامداران نهادی در آنها بیشتر می باشند، گرایش بیشتر به شفافیت مالیاتی داشته و دلیل این موضوع می تواند کم بودن تضاد منافع میان مدیران شرکت و دولت باشد، بعبارتی مدیران اینگونه شرکت‌ها نسبت به سایر شرکت‌ها از انگیزه های کمتری برای اجتناب یا فرار مالیاتی برخوردارند. وجود سهامدار خارجی در هیأت مدیره با عنایت به تضاد منفعی که با سهامداران دیگر (ایرانی) دارد، موجب افزایش نظارت و شفافیت بیشتر در گزارشگری مالی شده و به تبع آن شفافیت مالیاتی شرکت‌ها را نیز افزایش می دهد. آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۳) و رابینسون و همکاران (۲۰۱۲)، چنین نتیجه گیری کردند که وجود متخصص مالی در هیأت مدیره سبب افزایش آگاهی هیأت مدیره از قوانین مالی و مالیاتی و مخاطرات ناشی از عدم رعایت قوانین و استانداردها شده و در نتیجه عامل کاهش اجتناب مالیاتی می گردد.

در میان عوامل اجتماعی نیز حسن شهرت مالیاتی با ضریب $0/131$ بیشترین تأثیر را در میان متغیرهای شناسایی شده بر شفافیت مالیاتی دارد، بعبارتی می توان گفت سوابق مالیاتی شرکت یکی از متغیرهای اساسی در تعیین مؤدیان دارای شفافیت مالیاتی بالا می باشد. سرمایه گذاری در موجودی کالا یکی از عواملی است که در این پژوهش در دسته استراتژی شرکت قرار گرفته است. زیمرمن (۱۹۸۳) بیان می کند از آنجا که موجودی کالای پایان دوره دارای تأثیر مستقیم و افزایشنده بر سود است این انتظار می رود که شرکت‌های دارای سرمایه گذاری زیاد در موجودی کالا دارای نرخ مؤثر مالیاتی بیشتری باشند. بنابراین این شرکت‌ها دارای شفافیت مالیاتی بیشتری هستند.

یکی دیگر از مؤلفه های این تحقیق، معامله با اشخاص وابسته است، یعنی هرچه میزان خرید و فروش کالا و یا خدمت به اشخاص وابسته کمتر باشد میزان شفافیت مالیاتی شرکت بیشتر می باشد. پارک (۲۰۱۹) استدلال می کند شرکت های عضو یک گروه تجاری که در مناطق دارای نرخ مالیاتی بالا فعالیت می کنند می توانند از طریق معامله با شرکت های همان گروه که در مناطق با نرخ مالیاتی پایین فعالیت می کنند معامله داشته و با انتقال سود خود به آنها مالیات خود را حداقل کنند (پارک، ۲۰۱۹: ۶۳).

محدودیت های پژوهش

یکی از وظایف اصلی پژوهشگران علمی بیان محدودیتهای موجود در تحقیق خود خواهد بود. مسلماً هیچ تحقیق علمی عاری از محدودیت نبوده و بیان آنها موجب جلوگیری از گمراه کننده بودن یافته ها خواهد بود. (۱) پژوهش حاضر با روش تحقیق کیفی - کمی انجام گردیده و داده های تحقیق با روش مصاحبه های نیمه ساختاریافته و پرسشنامه گردآوری شده است، لذا محدودیتهای ذاتی پژوهشهای کیفی نظیر تأثیر احتمالی قضاوتها بر داده ها و استنتاج الگوی تحقیق متوجه تحقیق حاضر نیز میباشد. (۲) شرایط دولتی بخشهای مالیاتی و اقتصادی در ایران و دولتی بودن سیاستگذاران جنبه های علمی - نظری و اجرایی حسابداری و حسابرسی، با توجه به متفاوت بودن نحوه مالیات ستانی و تدوین سیاستهای مالیاتی و مالی میتواند محدودیتهایی بر اجرا و توفیق کامل الگوی ارائه شده فراهم نماید که بایستی این امر در بهره برداری از الگوی پیشنهادی مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادات کاربردی

۱- به سازمان امور مالیاتی کشور پیشنهاد می گردد از الگوی معرفی شده در راستای تعیین مؤدیان کم ریسک که یکی از لازمه های حیاتی و بسیار مهم طرح جامع مالیاتی می باشد، استفاده نماید. این امر موجب کاهش در هزینه ها و زمان لازم جهت وصول مالیات و نیز باعث مالیات ستانی منصفانه و دقیق می گردد.

۲- به سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می گردد از الگوی ارائه شده جهت تعیین رتبه شفافیت مالیاتی شرکت ها همانند رتبه شفافیت مالی استفاده نماید، این امر از یکسو موجب بهبود در تصمیم گیری سرمایه گذاران بورس شده و از سوی دیگر موجب ارتقای مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت های بورسی می گردد.

۳- به کلیه مدیران موسسات حسابرسی و مدیران مالی پیشنهاد میشود در راستای رعایت مفاد ماده ۲۷۴ ق.م.م و به منظور پیشگیری از بوجود آمدن مشکلات احتمالی در انعقاد قرارداد با صاحبکاران ، اجزاء مختلف مطرح شده در الگوی پیشنهادی را در جهت شناخت بهتر از صاحبکار خود مدنظر داشته باشند.

منابع

۱. آقایی، محمدعلی؛ حسنی، حسن و باقری، حسن. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیریت در اجتناب مالیاتی شرکتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۴، شماره ۵۷، ۱۳۹۷، صص ۲۴-۴۷.
۲. اسعدی، عبدالرضا. (۱۳۹۵). حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های هلدینگ و تابعه در بورس اوراق بهادار تهران، مجله راهبرد مدیریت مالیت سال چهارم، شماره پانزدهم، ۱۳۹۵، صص ۱۲۹-۱۵۱.
۳. باباجانی، جعفر و مجید عبدی. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲(۳) صص ۶۵-۸۶.
۴. باباجانی، جعفر. (۱۳۹۳). نقش اطلاعات حسابداری در تسریع فرآیند مالیات ستانی از دیدگاه کارشناسان ارشد مالیاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۲)، صص ۱-۲۰.
۵. باقری تودشکی، مجتبی، محمد مهدی، باقری، محمدرضا رضایی (۱۳۹۴)، احکام، مجازات و آثار دنیوی و اخروی فرار از مالیات، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴، صص ۶۲-۴۰.
۶. حساس یگانه، یحیی و گل محمدی شورکی، مجتبی (۱۳۹۰). رابطه بین نرخ مؤثر مالیات و ویژگی‌های شرکت‌ها، پژوهشنامه مالیات، شماره دوازدهم، ۱۳۹۰، صفحه ۲۳۹-۲۶۳.
۷. حسنی القار، مسعود و صابر شعری، آناقیز. (۱۳۹۶). بررسی توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، مجله دانش حسابداری، دوره هشتم، شماره (۱)، ۱۳۹۶، صص ۱۰۷-۱۳۴.
۸. جعفری، هدی، ایزدی فر، علی اکبر و محمد محسنی (۱۳۹۹). بررسی فقهی فرار از مالیات حکومتی، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و دوم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۳۱-۵۱.
۹. خدادادی، ولی و تاکر، رضا. (۱۳۹۱). تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی و ارزش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، شماره ۱۵، ۱۳۹۱، صص ۳۶-۵۷.
۱۰. دارابی، رویا، پاشانژاد، یوسف و تدوین فرد، اسماعیل. (۱۳۹۷). بررسی رابطه مسئولیت اجتماعی، عملکرد اقتصادی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۶۷-۹۲.
۱۱. طایفه، سیامک، دستگیر، محسن، رضایی، فرزین، احمدی، سعید علی. (۱۳۹۸). رتبه بندی عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی شرکتی. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۴(۷). صص ۳۰۹-۳۴۱.

۱۲. دستگیر، محسن، ایزدی نیا، ناصر، عسگری، علی و رضانی، مهدی. (۱۳۹۴). ارائه مدل انتخاب برای حسابرسی مالیاتی مبتنی بر ریسک اشخاص حقوقی در ایران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۵، صص ۳۴۰-۳۶۵.
۱۳. رضایی، فرزین و رحیمی آتانی، هانیه. (۱۳۹۵). رابطه بین مسئولیت پذیری اجتماعی، عملکرد مالی و ضریب واکنش سود شرکت‌ها، پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۴. رمضان نیا، حسن و رضایی، فرزین. (۱۳۹۶). بررسی اثر مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت بر ریسک سیستماتیک و غیر سیستماتیک با استفاده از مدل تحلیل پوششی داده‌ها. دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، شماره چهارم، صص ۱۸۹-۲۱۴.
۱۵. شوروژی، محمدرضا، خلیلی، محسن، سلیمانی، حمید و فروتن، امید. (۱۳۹۶). ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی، پژوهشهای حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۱۲۱-۱۳۹.
۱۶. کیا، بهزاد، جعفری صمیمی، احمد، فرهادی محلی، علی، طبری، مجتبی. (۱۴۰۰). شناسایی معیارها و سنجه‌های ارزیابی خط مشی مالیات بر ارزش افزوده، فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و هفتم، زمستان ۱۴۰۰، صص ۲۸-۱۲.
۱۷. مهرانی، ساسان و سید جلال سیدی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۳(۱۰)، صص ۳۴-۱۳.
۱۸. نمازی، محمد(مترجم). (۱۳۸۹). پژوهش‌های تجربی در حسابداری دیدگاه روانشناختی(نوشته رشاد عبدالخلیق و آجین کیا). شیراز: انتشارات آگه و پیشبرد.
۱۹. نمازی، محمد. (۱۳۸۲). نقش پژوهشهای کیفی در علوم انسانی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، (۱۱)، صص ۶۳-۷۸.
20. Allingham, M. G. and A. Sandmo., 1972. Income tax evasion: A theoretical analysis. *Journal of Public Economics*. 1: 323-338.
21. Barford, V. & Holt, G. (2013). Google, Amazon, Starbucks: The rise of "tax shaming". Retrieved from: <http://www.bbc.com/news/magazine-20560359> [Accessed: 2014-08-13].
22. Corbin, J. & Strauss, A. L. (2008). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage. London.
23. Desai, M.A., Dharmapala, D. 2009. Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91(3): 537-546.

24. Gul, F. 2010. Earnings quality: Some evidence on the role of auditor tenure and Auditors, industry expertise. *Journal of Accounting and Economics*, 47(3): 265-287.
25. Hanlon, M., and S. Heitzman. 2010. A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2- 3): 127-178.
26. Huang, H. H., Lobo, G. J., Wang, C., & Xie, H. (2016). Customer concentration and corporate tax avoidance. *Journal of Banking & Finance*, 72, 184-200.
27. Johnson, R.B., & Onwuegbuzie, A.J (2004). *Mixed Methods Research: A research paradigm*
28. whose time has come. *Educational Researcher*, 33(7), 14-26.
29. Lin, Z. J.; and M. Liu .2009. The Impact of Corporate Governance on Auditor Choice: Evidence from China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 89: 44-59.
30. Linch, D., Kubick, T. R., Mayberry, M.A., & Omer, T. C. 2013. Product Market Power and Tax Avoidance: Market Leaders, Mimicking Strategies, and Stock Returns, www.ssrn.com.
31. Merriam, S. (1988) *Case Study Research in Education: A qualitative Approach*, Sanfrancisco: Jossey- Bass, quoted from Maxwell, J.A. (1996) *Qualitative Research Design: An Interactive Approach*, Thousand, Oaks, CA: Sage.
32. Minnick, K., & Noga, T.2012. Do corporate governance characteristic influencing tax management? *Journal of Corporate Finance*, 16: 703 - 718.
33. Park, S. 2019. Related Party Transactions and Tax Avoidance of Business Groups. *Sustainability Journal*. doi:10.3390/su10103571. Palmrose, Z. V. 1988. An analysis of auditor litigation and audit service quality. *Accounting Review*, 63: 55-73.
34. Pei-Hui, M, Moore, J, A. Neubaum, D, O .2014. Tax Avoidance, Financial Experts on the Board, and Business Strategy, *Journal of Accounting and Economics*, 6: 5-28.
35. Peress, J. 2010. Product market competition, insider trading and stock market efficiency. *Journal of Finance*, 65: 1-43.
36. Piercy, N., Lane, N. 2006. The Underlying Vulnerabilities in Key Account Management Strategies. *European Management Journal*, 24(2-3): 151-162.
37. Rezaei, J. (2015). Best-Worst multi criteria decision-making method: some properties and a linear model. *Omega*. 53, 49-57.
38. Ross, M., Roman, L., Peter, W., Brett, G. 2017. The impact of dividend imputation on corporate tax avoidance: the case of shareholder value. *Journal of corporate finance*, volume 48: 492-514.

39. Sidney, C, M, Leng. Grant R, Grantly, T. 2019. The effect of the general antiavoidance rule on corporate tax avoidance in china. *Journal of contemporary accounting and economic*. 15:105-117..
40. Smit, A, Smit, R and M. Stiglingh. 2020. The relationship between Tax Transparency and Tax Avoidance, *South African Journal of Accounting Research*. 50(7): 1-21.
41. Tien, S., Zhihong, W., Sebahattin, D. 2018. Overconfidence and tax avoidance: the role of CEO and CFO interaction. *Journal of accounting and public policy*, volume 37, issue 3: 241-253.
42. Venkatesh, P. C., and R. Chiang.1986. Information Asymmetry and the Dealers Bid- Ask Spread: A Case Study of Earnings and Dividend Announcements. *The Journal of Finance*, Vol. 41, No. 5: 1089- 1102.
43. Watson, L. 2015. Corporate Social Responsibility, Tax Avoidance and Earnings Performance, *The journal of the American Taxation Association*, Vol 37, issue 2: 1-21.
44. Watts, R. 2003. Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities, *Financial Research and Policy*, No4: 03-25.
45. Yukun Sun .2014. Corporate Tax Avoidance and Government Corruption: Evidence from Chinese Firms. 12: 120-150. Zimmerman, J. 1983. Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics*. 5: 119 - 149.
46. Zimmerman, J. 1983. Taxes and firm size. *Journal of Accounting and Economics*. 5: 119 - 149.